

فائزه فتحی

۹۷/۹/۲۱

سیاوش عیدانی:

چهار عکس از عظمت کوه ها. دلیل اینکه چرا هر دو عکس در یک قاب هستند را نمی دانم. ترکیب بندی های ساده و بعضاً نه چندان جذاب با ساعات نوری که گمان می کنم بدون برنامه ریزی انتخاب شده اند. عدم تعادل و هدایت چشم من به بیرون کادر از جذابیت آثار کاسته اما با نگاهی منصفانه به این عکاسی که من را یاد **انسل آدامز** می اندازد، کار راحتی به حساب نمی آید.

اما آن یک عکسی که رشته کوهی است، در پایین یک قاب، می توان گفت به نسبت باقی آثار، هم از کادر و ترکیب بندی و هم نور مناسبی برخوردار است که حتی اگر تصادفی بوده باشد عکس زیبایی است. چرا که با رعایت اصول قوانین انسل گونه ما شاهد عظمت و زیبایی هستیم و می توان گفت حداقل در این عکس می توان عکاس را به هدف رسیده، تجسم کرد.

۹۷/۱۰/۷

عکس ها من را یاد بعضی از فیلم های گداگرافانه ی ایرانی (که حتی زحمت به خاطر سپردن نام هایشان را هم به خودم نمیدم) که همیشه نامزد دریافت فلان جایزه می شوند، می اندازد.

گویی صحنه ای از فیلم ها را بریده اند و به صورت عکس ارائه می دهند.

از نظر ترکیب بندی با تخفیف قابل قبول اند ولی انتخاب موضوع و کادر را نمی توانم درک کنم. اینکه ما با قابلیت های نیشان آشنا می شویم می تواند مفید باشد!!!

اکنون ما در دنیای پست مدرن عکاسی به سر می بریم (خوشبختانه یا متأسفانه)

و شاهد چنین مجموعه هایی هستیم...

در پایان باید بگویم من به عنوان دانشجو مجبور به نوشتن نقد از این آثار بودم. اگر چنین نبود قطعاً این زمان کوتاه صرف دیدن فیلمی کمدی با بازی جیم کری می شد...

شاید خواندن کتابی از آثار پل استر...

در هر صورت هر کاری جز نوشتن درباره ی این ها...

